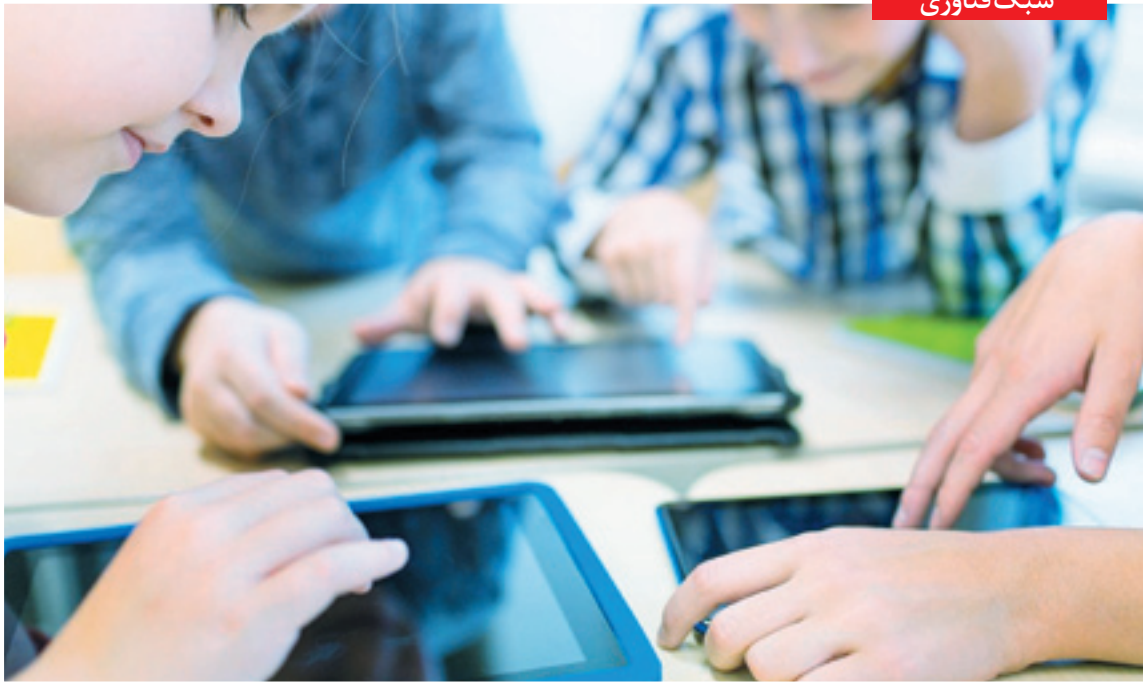


سبک فناوری



در جست‌وجوی معصومیت دنیای پیشاديجیتال

اینترنت را قطع می‌کنم و بچه‌ها را به باغچه می‌فرستم

به نهم گفتم در دوران رشد اصلاً خبری از اینترنت نبود. من اولین ایلیم عمرم را در اوایل سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۶۹ در فرانسه، پیشم هریق شد و دو دانشگاه در سال ۱۹۶۶ دیدم. «معمولاً» گفت: «ها! سئو تو یکی از وایسین معصومی».

منظورش این بود که جماعت همسال من (تقریباً) نهایی که از واسط تا اوایل دهه ۱۹۷۰ به دنیا آمده‌اند، آخرین نسل انسان‌ها را می‌بیند که پیش از رایج شدن فرهنگ دیجیتال بزرگ شده‌اند. یک مام دیگه «مایکل هریس (نویسنده ساکن ونکوور) در کتاب «پایان غیبت» روی ما گذاشت، «همه‌چیز دیجیتال» است. نهایی که در حال «با بدون اتصال حیات» می‌گذرانند.

آیین‌نامه کودکان دهنام یک قانون متهورانه است. خوش بینی و بلند پروازی جسورانه این پروژه، پرستی پیش می‌آورد که به ذهنم نیامد تا اینکه سوار قطار برگشت از و بلمسلو شده بودم: آیا می‌شود معصومیت از دست‌رفته

[illegible]

در «معموعیت» از دست‌رفته، اگر اصلاً معموسیتم را کرده بود، چه بود؟ بعداً فاکتورهای شدم که مفهیمی را برای اصعب‌شان، بران نشانان ضایعی برای اصلاات‌ها و مفهیم‌های فرهنگی را اخلاقی انقلاب و مجاهدت کرده‌اند، یا معادله‌ی نسل من و خاطره آن گذشته‌شان می‌باشد. چه‌که ما می‌بینیم و ویژگی خاصی دارد. نه اینکه مهاجران دیجیتال باجوهرش از نسل مستعدتر از نسل بومیان و دیجیتال باشد که پس از ما آمده‌اند. گویا ما از جهت منحصربه‌فردیم که سیستم‌های بی‌گناه گوناگون و به‌مقاراض هستیم.

«ترجیح می‌دهی کدماش باشی؟ بسیاری فقیر یا دویستان را، فرمان، و یار تو رمتند بدون دوست؟» «همین او را خواهر پسر خوانده ۱۱ ساله ام می‌قدمه این روزا از من پرسیده جوابش برای من ساده بود. گفتم: «فقیر یا دویستان. در درازمدت، تنهایی بدتر از فقر است.»

پسر خوانده‌ام مخالف بود: «وووم... تو رمتند بدون دوست، در عمارت من و منامی و فروناتیب بازی می‌کنم و یو تیبو و تماشا می‌کنم و با آدم‌های آنلاین معاشرت می‌کنم.»

وقایع جمع هر سه سالش پسر خوبی است و حلقای از رفقای پسر صمیمی دارد که از آغاز مدرسه با هم دوست بوده‌اند. وقتی قرار شد تصمیم بگیرد که می‌خواهند با هم

یک فیلم ببینند یا دو ساعت فورت نایت بازی کنند و از راه دور با واسطه همدست‌ها با هم در تماس باشند، بی‌درنگ دومی را انتخاب کردند. علتش این است که برای یومیان دیجیتال مثل پسر خوانده من و رفقاییش، معاشرت آنلاین مشابه (و گاهی بهتر از) معاشرت رودرور است.

دادیم، که انگار کلیدهای دروازه‌ای جادویی به سوی یک جهان موازی آرمانی را به او داده‌ایم. به یک معنا هم لابد همین کار را کردیم. چون در آغاز دوره بلوغ، دلخوشی‌ای برای مصومانی مثل من و همسر من در دوران جوانی ما، دورانی که از دیگران فاصله داشتیم، در کار نبود. پس دائم با دوستان بون، فقدان تنهایی.

پرسی تأثیر ایبترت نوت بر مغز

سوال هاست بحث علمی می‌شود که آیا استفاده مدام

شده است، دلواپس آن است که ما همچنان «سرگرمی را» تفریح محلول کنیم، که متعاقباً بر سه‌هایمان برای تأمل «درون‌نگری کمتر و کمتر» شود.

تنگنای خیال انگیز و خلاقانه بدون فناوری

اگر تسلیم حواس پرتی‌های جنون‌آمیز اقتصاد توجه شویم، خطر بزرگی بومیان دیجیتال مثل سه‌هایمان و شما را تهدید می‌دهد: تنگنای هاندز با فکتر و ما خیال‌ها تجربه می‌کنیم که سه‌هایمان از دست می‌دهد. سرگرمی‌هایمان است که سه‌هایمان را از دست می‌دهد؛ ما شایسته و آسان‌دانه از چیزهای است که ما شایسته؛ بالاخره مگر استفاده از چیزهای است که ما شایسته؛ و آسان‌دانه و تسلیک‌کننده، سرآغاز بازپیشی‌های بی‌پایانی سرآغاز «فرزندی» می‌شود؟ اما چیزی که دست می‌دهد، آن ساعت‌های خالی، می‌شود؟ می‌ناراز و کمابیش محزون می‌شود که ما به ابراز آن می‌چیزها می‌ناراز و درخت‌ها از آن می‌کریه‌یم. صداها به شوق آن می‌چیزها می‌نارازند، در شلمان نفوذ می‌کند، چراکه آنها را نمی‌شناسیم. ولی که ما

می‌شناسیم، ما معصومان، مایه که معنای سباحت خاله است. ملا را می‌دانیم، چون در همان ساعات که درخواست می‌کرد، همان را می‌شناخیدیم. ساعتی که اکنون از دست گرفته‌اند، تخیلاتی بازیگوش و تنبل و سرگران، بی‌هیچ عقید و بندی، در کمال آزادی، و این وضع گرچه گاهی کسانتبار و بی‌هیچانی می‌شد، اما همه شگفتی‌های دست‌ساز بشر (از جمله خود اینترنت) از آن‌ها می‌سر چشمه برخاسته‌اند، می‌کرد، فکر، یک خیال‌پای.

بروی. بعد از ظهر یک روز را با قلم و کاغذ مشغول نوشتن باباشی. بنشین و ۱۵۰ صفحه کتاب را یکباره بخوان گفتنش ساده است، ولی در عمل به طرز غریبی هولناک دو شوارند.

هریس هم مثل ویلیامز گفت که خودش را بیشترین ناظر منتقد اثرات فناوری می داند تا یک آدم ضد فناوری. او اشاره می کند که همه اختراعات بشر، حتی آنهایی که بی خطر یا سودمند می شماریم مثل ماشین و کتاب، میغزه مان می زایند و آگاهی های مان را مختل می کنند. با ظهور کلان داده می خطری تهدیدمان می کند: اینکه غنای حیات درون و ذهن ما، در دهن ما، از دست بدهیم.

و گفت: «تجربه کردن فضای خالی، زمینه‌ساز رشد و تکامل و اندیشه مستقل می‌شود، یعنی می‌توانی بدون فشار افکار عمومی یا ارزش روبات‌ها به ایده‌هایی از آن خودت برسی.» به علاوه، اتصال مجازی مانع توانایی مان در تماس برقرار کردن و همدلی می‌شود. «وقتی از اتصال اجتماعی با واسطه فناوری اشباع شوی، روز به روز سخت‌تر می‌توانی توجهت را وقف آنهایی کنی که واقعا به تو و کنار تو هستند.»

هریس بیش از هر چیز نگران آن است که در آینده، «سرمز دای دیجیتال» به طور منظم (یعنی دوری گزیدن از فشارهای طاقت فرسای اقتصاد توجه) فقط برای عده معدودی از سرآمدان و بهره‌مندان مقدور باشد.

■ آیا می‌توان معصومیت پیشاد دیجیتال را احیا کرد

به فرزند هفت ساله‌ام فکر می‌کنم که تابستان امسال برای اولین بار با من با هواپیما به اتاوا می‌آید و سپس شش ساعت با اتوبوس تا منطقه حیات وحش در شمال انتاریو می‌رود تا در آنجا هفت شب کنار ۳۰ بچه دیگر در چادر بخوابد، قایق سواری کند و غذاهای یخ‌زده‌ای بخورد که روی آتش هیوم دای می‌سوزند. نه برقی خواهد داشت و نه بوله کشی، نه راس‌به‌پای اینترنت.

«این نامه طراحی محتاسب با سن» پاییز امسال در سطح مطرح خواهد شد. اگر بعدر سنی پیده و اجرا شود، شاید بتواند اینترنت را برای چندین نسل آتی از کودکان بریتانیا، به مکانی امن تر و عظیم تر تبدیل کند. این هم روی کاغذ یک بهبود عظیم حساب می شود، ولی حتی تصویر جدیدی که نهانم می باشد نیز سازد نیز نمی تواند آن را به معصومیت یهودا یجیتال اما با ابعاد جدید هم قانون وضع شود. آن فقدان پستیم را با برنمی گرداند. معنای حرقم این نیست که نمی شود با تمرین دقیق روزانه، آن معصومیت با حداقل نسیجی از آن رایس گرفت، نرم و همی های از قبیل اینکه اتصال بهوایمان را به اینترنت را قطع کنیم و آنها را با فایچه بفرست ما بازی کنند. با اینکه یک ساعت شیز خالی پدرم بنشینم.

کودکم با لجبازی و گریه هر چیز
که بخواهد به دست می آورد و من هم
براحتی تسلیم می شوم. از همان اول
وقتی گریه کرد و در وسایلی که برایش
تازگی داشت رامی خواست، در اختیارش
می گذاشتم. حالا دیگر برایش عادت
شده. یعنی شرطی شده، وقتی گریه یا
لجبازی می کند می داند که من تسلیم
می شوم و سریعاً چیزی که بخواهد را در
اختیارش قرار می دهم.

والدین چگونگی ارتباط با کودک و نوجوان را باید یاد بگیرند و از طریق آموزش، این ارتباط را به طور مؤثر برقرار کنند. اگر این رفتار مادر و امثال آن در ارتباط با کودک اصلاح نشود به مرور در تربیت کودک شکل گرفته و در او نهادینه می شود و ممکن است تأثیرات منفی

در رفتار او در سن نوجوانی داشته باشد. کودکان به روش تربیت و الیه‌های رشد فرهنگی پیدا می‌کنند. فرزند با مساندگی تحت تأثیر والدین خود قرار می‌گیرد. به توجه به این تأثیر که ارتباط با او باید باعث مثبت‌اندیشی در او شود. چراکه غیر از این باشد رفتار آنها کاملاً تغییر می‌کند و منفی‌اندیشی باعث اجباری در او می‌شود و در مواقعی که با رفتارهای نادرست والدین که کاملاً غیر عمد است، به‌روش شوند، بعضاً با پر خاشگری می‌خواهند روبرو خود را

نشان دهند.

«چون اسباب بازی‌ها تو رو مرتب نمی‌کنی و سر جایشان نمی‌گذاری و هیچ وقت حرف گوش نمی‌دهی، برایت دو چرخه نمی‌خرم.» پیام رابطه بر پایه زور و تهدید است. فرزندانمان را بی‌بال و پر به اجتماع نفرستیم، باید به فرزندانمان قدرت انتخاب دهیم تا استقلال در زندگی برایش معنا پیدا کند.

هراز گاهی اثربخشی ارتباطی باید ارزیابی شود. حسادت، دروغ‌گویی، گستاخی، پر خاشگیری، نداشتن اعتماد به نفس و بسیاری از رفتارهای آنها که باز خود منفی دارد را می‌توان در یک عمل بجا به طرز قابل ملاحظه‌ای جبران کرده یا به حداقل رساند.

خانمی می گفت: «آخر من مفضل دارد اما اندازۀ دختر من ۱۵ ساله اقل است. حتی در مورد پدرش هم احساس مسئولیت می‌فهمد»
جدیدا از اینکه بیشتر از سنش می‌فهمد خیلی نگران‌ش هستم. چون مسئولیت‌پذیری بیش از حد او باعث نگرانی و اضطراب دارد و مردم همه چیز او را بداند، به طوری که وقتی به یک مکان تفریحی می‌رویم او به جای اینکه از محیط و ارتباط با همسالانش لذت ببرد مدام حواسش به خود او و چقدر از خودش استند که مبادا راه را اشتباه رود یا زمین بخورد و امثال اینها. فرزندم دیگر کودک نیست و به هیچ‌کدام از بازی‌های کودکان تمایلی ندارد. یعنی دیگر

خود که در فامیل و اقوام هستند، نیست. جمله «تو بزرگ شدی» دراندام ما با گفتن «چون بزرگ شدی باید این کار را بکنی» و... پدیده بزرگ شدن و آرایش سخت و دشوار می‌کنیم. به طور کلی کودک هفت ساله به دلیل احساس مسئولیت بیش از حد دچار اضطراب و اضطراب شده است و هیچ‌کس از رفتارهای کودکانه در او دیده نمی‌شود.



دختر هفت سال دارد اما اندازه دختر ۱۵ ساله عاقل است. حتی در مورد من و پدرش هم احساس مسئولیت می‌کند! اما جدی‌دار از اینکه بیشتر از سنش می‌فهمد خیلی نگرانش هستم. چون مسئولیت‌پذیری بیش از حد او باعث نگرانی و اضطراب او در مورد همه چیز شده است.

سبک قرپیت

راه‌های ارتباط صحیح با کودکان را بیاموزیم
وقتی می‌گوییم «تو بزرگ شدی»
کودکی‌اش را از او می‌دزدیم

در اینجا اضطراب و نگرانی بیش از حد و رفتار غیر معمول آن کودک که ریشه در ارتباط غیر صحیح والدین با کودک است باید مورد توجه قرار گیرد. اگر والدین بی خود و بی جهت پدیده مزبور شدن را برای او باز گو و تکرار نمی کنند بدون شک این کودک دچار این نابسامانی رفتاری و عدم اعتماد به نفس نمی‌شد. اجازه دهیم کودکان با فکر باز اوقات خود را تسیری کنند. درگیری ذهنی آنها را رابطه با رفتارهایشان به آنها آسیب می‌رساند. اینطریه و روشی فرزندان در صدد و لحن کلام والدین رشد می‌کند. در رابطه با فرزندان درست کردن میوه شامل ارتباط صحته گردن کوتاه و قفید شدن گردن، رساندن معنای کامل و آموزش صحیح کودک در رابطه با کاری که می‌خواهد انجام دهد را باید در اولویت قرار داد. چرا که رفتارهای آنی آن کودک ریشه در ارتباط صحیح دارد.

در اینجا مسئله اعتماد به نفس مطرح می‌شود که باید در ارتباط صحیح و مؤثر با کودک به آن توجه شود. تعداد بسیاری از کودکان بی‌رونی‌ها و افسردگی کودکان و نوجوانان ناشن اعتماد به نفس آنها است. کودکان و نوجوانان به قدری حساس و ریزین هستند که کوچک‌ترین رفتار پدر و مادر خود را الگو قرار می‌دهند و تمام رفتارهای آنها را ضبط می‌کنند و در یک زمان و مکان مشخص آن را از خود بروز می‌دهند.

ریشه بسیاری از پر خاشگری‌های کودکان اختلافات والدین آنان است. ترس از جدایی والدین (حتی بعد از دعوی جزئی) اعتماد به نفس کودک را نابود می‌کند. مورد دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد این است که مشکلاتمان را به فرزندان انتقال ندهیم.

آنها از تحمل پایینی برخوردار هستند و ظرفیت تحمل آنها کم است. حواسمان به صحبت‌هایمان باشد. بحث‌های اقتصادی و... را در حضور آنها مطرح نکنیم. مورد بسیار مهم دیگر این است که تشویق و تحسین را نباید فراموش کرد. انسان ذاتاً تشنه محبت است. چه برسد به کودکی که در ظاهر هم نشان می‌دهد که می‌خواهد مورد توجه قرار گیرد.

کودکان در مقابل رفتارهای صحیحی که از خود نشان می‌دهند باید مورد تشویق و تمجید قرار گیرند، چرا که این تشویق عملکرد صحیح آنها را مضاعف می‌کند و در نتیجه باعث شادی و نشاط در کودک می‌شود.

در پروسه رشد از کودکی به بوجوانی که یک تغییر ناگهانی در رفتار و کردار آنها به وجود می آید والدین باید توجه قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. در این دوران ممکن است پر خاشگر، گستاخ با منزوی شوند و با تغییرات هورمونی که با تغییرات جسمی آنها توأم است آنها را به رفتارهای بعضاً غیر طبیعی وامی دارد.

نمی‌توانند بر خود راز و مناسبت داشته باشند و در اکثر مواقع از رابطه عاطفی بین والدین و نوجوان کاشی می‌یابد. و اگر این ارتباط ناصحیح ادامه یابد منجر به درگیری‌های بسیاری بین اعضای خانواده می‌شود. در نتیجه نادیده گرفتن نیازهای نوجوان و فشار بر میان آنها و کم‌رنگ کردن فضای آموزشی برای او و والدین حکمفرما می‌شود. یابد برای فرزندان ارزش قائل باشیم. یک نوجوان به قدری حساس است که کوچک‌ترین رفتار و حرکات اطرافیان خود را به خوبی احساس می‌کند و در مقابل واکنش نشان می‌دهد.

فرزندمان تا موقعی که کودک است یک‌جور یاد می‌دارد و از رفتار خود و وقتی به مرحله نوآوری می‌رسد، می‌تواند یادگیری دیگری را با یاد از رفتار کادر توجیه به این نکته که چگونگی ارتباط با او را یاد بگیرد، به‌خاطر رفتارهای درست و مصمی از او می‌بینی. در ارتباط با این موضوع، ما در این کتاب بدانیج مقوع، به رفتاری از خود نشان دهیم و چگونه با او در زمان و مکان مشخص ارتباط برقرار کنیم به طور یقین عملکرد او به طور مؤثری در ارتباطات میان فردی تأثیر خواهد گذاشت.